

مطالعه درک و تصور زیست محیطی کنش‌گران فعال در حیطه محیط زیست

دکتر محمد توکل^۱

مینا کریمی^۲

مهشید طالبی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۲۰

چکیده

هدف اصلی این پژوهش شناخت درک زیست محیطی کنشگران فعال در این حیطه، دلایل این ادراک و راهکارهای افزایش آگاهی زیست محیطی از دیدگاه آنهاست. برای انجام این پژوهش از روش کیفی (نظریه زمینه‌ای) استفاده شد. میدان مطالعه، شامل کل فعالان زیست محیطی در تهران است که در سال ۱۳۹۰-۱۳۹۱ به نوعی در حوزه محیط زیست فعال بوده‌اند. نمونه‌گیری تحقیق به شیوه نمونه‌گیری هدفمند با استفاده از دو معیار «تنوع» و «رسیدن به نقطه اشباع نظری» انجام گرفت و طی آن با ۴۰ نفر از این افراد مصاحبه به عمل آمد. نتایج نشان داد، درک و تصور فعالان زیست محیطی در دو دسته نگرش خاص‌گرایانه (نگرش استعلایی زیست محیطی، اثرات بوم‌رانگی) و نگرش عام‌گرایانه (نگرش انسان محوری و جامع‌نگرانه)، قرار می‌گیرد. همچنین عوامل و دلایل این نوع درک و تصور در سطح خرد (بر حسب شرایط و علائق)، سطح میانه (شامل جامعه پذیری دوران کودکی، شرایط محیطی) و سطح کلان (تأثیرپذیری انفعالی و مشارکت فعال) مقوله‌بندی شد. توصیه‌های آنها، در دو دسته مکانیسم کوتاه‌مدت (اقتدار و اجبار) و مکانیسم بلند مدت (شامل توسعه فرهنگی و توسعه آموزشی) جای گرفت.

واژگان کلیدی: محیط زیست، کنشگران زیست محیطی، روش کیفی.

^۱ استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، نویسنده مسؤول mtavakol@ut.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران

^۳ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه و بیان مسئله:

تغییرات پیش رو در تاریخ بشری بی سابقه است، ایجاد آینده‌ای که از نظر زیست‌محیطی پایدار باشد، مستلزم بازسازی اقتصاد جهانی، دگرگونی عمده در رفتار تولیدمثل بشر و تحول اساسی در ارزش‌ها و روش‌های زندگی است. البته وضعیت کنونی بسیاری از کشورها، بیانگر چنین تغییراتی در ارزش‌ها و نحوه نگرش مردم نسبت به مقوله محیط‌زیست است. وضعیت کنونی بسیاری از کشورها به علت رشد بی سابقه جهانی شدن، بیانگر تغییرات زیادی نسبت به مقوله محیط‌زیست است. فرایندی که از طریق آن، روابط متقابل فزاینده‌ای بین کشورها، مردم و قلمروها محقق می‌شود. این روابط متقابل حاصل از جهانی شدن، در حوزه‌های متفاوتی از زندگی خصوصاً اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علمی مشهود است (توکل، ۱۳۹۰، ۴۳). بر حسب این تغییرات، توجه به مخاطرات زیست‌محیطی در سال‌های اخیر در آثار اندیشمندان زیادی مورد توجه قرار گرفته است. صالحی (۲۰۰۹) به نقل از لین وایت^۱ بیان می‌کند که از ابتدای قرن بیستم، موضوعات، مسائل و چالش‌های زیست‌محیطی، در مرکز زندگی روزانه بشر قرار گرفته است. به گونه‌ای که در میانه سال‌های ۱۹۲۰، پی آمدهای نگران کننده آلودگی‌های زیست محیطی، همه روزه توجه بیشتری را به خود جلب می‌کرد (لوری^۲، کمپ^۳، ۱۳۸۶: ۱۷). در همین راستا، کاد وورث^۴ نیز اذعان می‌کند که امروزه نسبت به هر زمان دیگری، جوامع انسانی، تأثیر به‌سزایی بر محیط‌زیست دارند (همان: ۲). این تغییرات بدون شک با تغییر در ادراک افراد از پیرامون همراه بوده است. نتایج تحقیقات بسیاری در روانشناسی و جامعه‌شناسی نشان داده است که نوع برداشت و درک افراد بر روی رفتار آنها تأثیرگذار است.

تعاملات مختلف انسان با محیط‌زیست نیز در طول تاریخ، (از مقهور بودن نسبت محیط‌زیست به علت عدم آگاهی از آن و انتساب بلایای طبیعی به خدایان، تا درک ابزارمند از محیط‌زیست به واسطه پیشرفت علمی بشر و تسلط بر شرایط مادی پیرامون و همچنین در مرحله کنونی که نیاز به تعاملی دو سویه بین انسان و محیط‌زیست به علت فجایع زیست‌محیطی منتسب به عملکرد انسان)، برخواسته از نوع ادراک او از شرایطی دارد که در تعامل دو جانبه عاملیت و ساختار شکل گرفته است. بنابراین از آن جایی که رفتارها و تعاملات انسان‌ها با دنیای پیرامون خود، از جمله محیط‌زیست‌شان در ارتباط با نحوه نگرش و ادراکشان به این محیط می‌باشد، از این روی بررسی این ادراک به عنوان بخشی از مفهوم نگرش می‌تواند در شناخت و راه‌حل‌های زیست‌محیطی در مورد نحوه تعامل انسان با محیط‌زیست بسیار موثر واقع شود.

^۱ White^۲ Lorey^۳ Kemp^۴ Cudworth

معمولاً متخصصان و فعالان زیست‌محیطی در مورد محیط‌زیست یک نوع درک و تصور دارند و مردم عادی نوع دیگری درک می‌کنند. البته این موضوع کمابیش درباره هر مسئله دیگری نیز صدق می‌کند. درک فعالان و متخصصان محیط زیست از این موضوع سبب اشاعه آن و بر ساخت مسئله در سطح جامعه و مردم عادی می‌گردد. لذا اهمیت شناخت از ادراک و نگرش زیست محیطی این افراد خود گامی است در جهت شناخت همسویی یا تعارضات ادراکی با عموم جامعه. هبرلین و همکارانش در تقسیم بندی نگرش به این نکته اشاره دارند که از آنجا که افراد نسبت به اجزای مختلف محیط زیست نگرش‌های متفاوتی دارند، از این رو برخی محققان به بررسی نگرش‌های زیست محیطی در حالت کلی پرداخته‌اند و برخی دیگر نگرش افراد نسبت به جنبه‌های خاص را مورد توجه قرار داده‌اند. در تحقیق حاضر نگرش و ادراک فعالان در عرصه محیط‌زیست در حالت کلی آن مورد بررسی قرار گرفته است.

در رابطه با اهمیت ادراک زیست‌محیطی، بوداک معتقد است، طی ۳۰ سال اخیر، شرایط به گونه‌ای پیش رفت که به واسطه درک پیامدهای بلندمدت موضوعات زیست‌محیطی در زندگی انسان‌ها، اهمیت بحث در این مورد رو به فزونی گذاشت. اما در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ این هزینه‌های بالای اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفت و مقامات را برانگیخت تا چاره‌ای برای آن بیاندیشند. در همین زمان، نگرش و شیوه برخورد نسبت به محیط‌زیست در حال دگرگونی بود و بسیاری از گروه‌های زیست‌محیطی تلاش سختی را برای بالا بردن دانش و آگاهی عمومی آغاز کرده بودند (بوداک^۱، ۲۰۰۵: ۲).

در همین راستا، پارادایم نوین زیست محیطی (NEP) اولین بار توسط توسط دانلاپ و ون لایر مطرح شده است که انتقال از پارادایم اجتماعی مسلط^۲ (که اولویتش بر رشد اقتصادی قرار دارد) به تئوری زیست محیطی جدید (که حفظ ارزش‌های محیطی می‌باشد) را مورد توجه قرار داده است (میلان و همکاران، ۱۹۷۷: ۹۴). مفهوم سازی آنچه که آن را تئوری زیست محیطی جدید نامیده‌اند، بر اعتقاد به توانایی جهت اختلال در تعادل طبیعت، وجود محدودیت‌های رشد برای جوامع انسانی و حق انسان نسبت به قانونگذاری بر بقای طبیعت مبتنی می‌باشد (دانلاپ و همکاران، ۲۰۰۳: ۴۳۲). لذا با توجه به تغییر پارادایمی در علوم اجتماعی و اهمیت دادن به مباحث زیست محیطی، متغیرهای جامعه شناختی و روانشناختی همچون ادراک، نگرش، احساس و دانش زیست محیطی نیز اهمیت خاص پیدا کرد. برای شناخت ادراک و نگرش افراد بر حسب ادعای روش‌شناسان، بهترین رویکرد، رویکرد تفسیرگرایی است. بر حسب ادعای این رویکرد، بدون مطالعه اینکه مردم چگونه برای ساختن رفتارهای اجتماعی خود از زبان‌ها و نمادها استفاده می‌کنند، یا به عبارت دیگر بدون فهم تجارب افراد، جهان اجتماعی را نمی‌توان توصیف کرد. بر حسب این رویکرد جهان اجتماعی

^۱ Budak

^۲ Dominant Social Paradigm

آفریده کنش‌های هدفمند عاملین آگاه است. لذا، این دیدگاه با تکیه بر تجربه به‌عنوان تنها منبع معرفت، بر تفکر استقرائی به‌جای تفکر قیاسی تأکید می‌کند. برحسب این رویکرد، علوم‌انسانی حوزه‌ای است کاملاً مرتبط با معنا و لذا با جایگزینی فهم و تفسیر در مطالعات علوم‌اجتماعی، به جای کشف و تبیین در مطالعات علوم طبیعی، واقعیت را چیزی ورای ذهن و آگاهی انسان نداشته و ساخت واقعیات اجتماعی را نیز از طریق کنش کنشگران اجتماعی در نظر گرفته که نیازمند تفسیر است.

پیشینه تجربی تحقیق

ادراک، آگاهی و نگرش زیست‌محیطی از مهمترین عامل‌هایی هستند که در رویکردهای عاملیت‌محور مورد توجه هستند.

پژوهشی با عنوان «ارزش‌های زیست‌محیطی، باورها و اقدامات» در سال ۲۰۰۰ توسط کورالیزا^۱ و برنگوئر^۲ انجام شد که از یک طرف قصد بررسی تعاملات بین متغیرهای شخصی و موقعیتی را در رفتارهای زیست‌محیطی افراد داشتند و از طرف دیگر به مطالعه قدرت پیش‌بینی ارزش‌ها و باورها پرداختند. نتایج حاصل نشان می‌داد نوع رفتارهای زیست‌محیطی، بسته به متغیرهای شخصی و موقعیتی، متفاوتند و از طرفی هرچه سطح درگیری بین شرایط موقعیتی و شخصی گسترده می‌شود، قدرت پیش‌بینی نگرش‌ها، پایین می‌آید.

پژوهشی با عنوان «نگرش‌های زیست‌محیطی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های حمایت از سیاست‌در سه کشور مختلف» توسط راولد^۳ و مور^۴ در سال ۲۰۰۲ انجام شده است که به طور مشخص در زمینه محیط زیست و رفتار است. محققین در ابتدا بیان می‌کنند که تیپولوژی استفان کلرت^۵ در مورد نگرش‌ها، در مقایسه با پارادایم نوین زیست‌محیطی که توسط دان لپ و ون لیر ارائه شده، دو دیدگاه متفاوت در مورد نوع نگرش به محیط زیست ارائه می‌دهند، ولی هردوی آن‌ها برای پیش‌بینی حمایت از سیاست‌های حفاظت از محیط زیست در بین دانشجویان دانشگاه‌های سه کشور (ترینیداد، جمهوری دومینیکن و ایالات متحده) به کار برده شدند. نتایج تحقیق مذکور نشان داد که جنسیت و کشور، متغیرهایی هستند که باعث بروز نگرش‌های متفاوت در زمینه محیط زیست می‌شوند. همچنین، نتایج حاکی از این است که نگرش دانشجویان ترینیداد، مبتنی بر طرفداری جدی از پارادایم نوین زیست‌محیطی است و علاوه بر آن، دانشجویان جمهوری دومینیکن و ترینیداد، نسبت به آمریکایی‌ها، نگرش قوی‌تری دارند.

¹ Corraliza. J

² Berrenguer. J

³ Rauwald. K.S.

⁴ Moore. C.F.

⁵ Kellert, S.

کایزر^۱ و همکارانش در سال ۱۹۹۹ در کار مشترکی که در سوئیس انجام دادند، ادراک و نگرش‌های زیست‌محیطی را به عنوان یک عامل پر قدرت پیش‌بینی‌کننده رفتارهای زیست‌محیطی معرفی کردند.

کلموس^۲ و آگیمان^۳ (۲۰۰۲) بر این اعتقادند که با وجود این که عوامل بسیاری که بین نگرش‌های زیست‌محیطی و رفتارهای محافظت از محیط‌زیست شکاف ایجاد می‌کنند، ارزش‌ها و نگرش‌ها، مشخصاً نقش مهمی را در تعیین رفتارهای زیست‌محیطی بازی می‌کنند.

رامزی^۴ (۱۹۷۴) نیز اهمیت آگاهی زیست‌محیطی را مورد توجه قرار داده و معتقد است که فعالیت‌های جنبش‌های اجتماعی به صورت عام و سازمان‌های زیست‌محیطی مردم- نهاد به صورت خاص، بر این اساس بنا شده‌اند که آگاهی و دانش عمومی موجب حمایت از محیط‌زیست می‌شود (صالحی، ۲۰۰۹). افزایش آگاهی زیست‌محیطی بدون شک سبب‌ساز مشارکت زیست‌محیطی در مرحله بعد خواهد شد. در این پژوهش نیز، درک و نگرش کنش‌گران محیط زیست در رابطه با محیط زیست مورد مطالعه قرار گرفته است تا نسبت به تعاریف کنش‌گران از محیط زیست، دلایل و نهادهای تأثیرگذار در گرایش‌های آن‌ها نسبت به این حوزه، استراتژی‌ها و مکانیزم‌های پیشنهادی افراد در مورد مسائل محیط زیست و نظایر آن شناختی حاصل گردد.

زعفرانی، روزبه (۱۳۸۷)، «تبیین نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت و حفاظت محیط زیست»، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران. در این رساله، نقش سرمایه اجتماعی و کار ویژه‌های آن در مدیریت و حفاظت از محیط زیست تعیین شده است. بررسی نقش اعتماد، مشارکت، ارزش‌ها و هنجارها و کار داوطلبانه که پایه‌های اصلی سرمایه اجتماعی نیز هستند در مدیریت محیط زیست، بخش عمده این پژوهش را به خود اختصاص داده‌است. براساس این شاخص‌ها و مقایسه میدانی آن‌ها در دو شهر فریدون‌شهر و سمیرم، هر کجا که سرمایه اجتماعی بالاتری وجود داشته باشد، بسترهای لازم برای مشارکت مردم و همکاری آن‌ها فراهم بوده و مدیریت محیط زیست با هزینه کمتر و به صورت بهینه‌تر صورت می‌گیرد.

در مجموع بر حسب تحقیقات انجام گرفته در این زمینه باید گفت، که توجه به بعد ادراکی آن هم در میان گروهی خاص همچون فعالان محیط زیست کمتر وجود داشته است. همچنین یکی دیگر از وجوه افتراق این تحقیق با پیشینه تحقیق در روش مورد استفاده در آن است. با روش نظریه زمینه‌ای تلاش بر این است تا با واکاوی عمیق مسئله به هسته نهایی و مدل مفهومی دست پیدا کنیم.

^۱ Kaiser

^۲ AnjaKollmuss

^۳ Julian Agyeman

^۴ Ramsey

ملاحظات نظری

در نظریات کلاسیک جامعه‌شناسی، توجه چندانی به محیط‌زیست نشده است و عمده توجه‌ای که به رفتارها و نگرش‌های زیست‌محیطی می‌شود، مربوط به دوران جدید و با ایجاد حساسیت‌های مابین انسان و محیط‌زیست او می‌باشد. از دیدگاه تومه^۱ (۱۳۸۰) موانع اولیه ایجاد شده بین جامعه و طبیعت، سبب جدایی جامعه‌شناسی کلاسیک مارکس، وبر و دورکیم از امور زیستی و طبیعی گردیده است. گلدبلات^۲ نیز (۱۹۹۶) معتقد است که نظریه‌های کلاسیک محدودیت‌هایی را در تبیین مسائل زیست‌محیطی ایجاد می‌کنند. این محدودیت‌ها از دو مقوله اصلی نشأت می‌گیرند: اول اینکه نظریه اجتماعی کلاسیک فاقد یک چهارچوب مفهومی مناسب برای فهمیدن تعاملات پیچیده‌ی بین جوامع و محیط‌های زیست است و دوم اینکه هر جا به چنین موضوع‌هایی پرداخته، به شیوه‌هایی که جوامع انسانی محیط زیستشان را تغییر داده‌اند توجه کرده است بدون اینکه به عواقب منفی آن تغییرات توجهی کرده باشد (صالحیف ۲۰۰۷). اگرچه بسیاری نیز شروع جنبش‌های اجتماعی نوین بعد از می ۱۹۶۸ در پاریس را که به دنبال آن جنبش‌های زیست‌محیطی نیز شکل گرفت، مرهون سنت رهایی‌بخشی مارکسیستی می‌دانند و به عبارتی ریشه محیط‌زیست‌گرایی در حوزه اجتماعی را برای اولین بار در پسامارکسیست‌ها بتوان دنبال کرد، اما با این حال خود مارکس اشاره چندانی به رابطه انسان و محیط‌زیست نداشته است.

اما به طور کل، نظریات اجتماعی مختلفی در همین سال‌های اخیر در رابطه با محیط‌زیست مطرح شده‌اند که ادراک و فهم زیست‌محیطی را به عنوان یکی از ارکان اصلی مباحث اجتماعی در این حوزه در نظر گرفته‌اند. از جمله نظریه‌هایی که محیط‌زیست‌گرایی را به عنوان یک جهان‌بینی در نظر می‌گیرند: شاید بارزترین نمونه اش در روان‌شناسی اجتماعی اتخاذ یک پارادایم جدید زیست‌محیطی (یا اکولوژیکی) باشد، با این ایده که افعال انسان و یک زیست‌کره آسیب‌پذیر در یک تعامل جدایی‌ناپذیر به سر می‌برند. این رابطه برحسب ادراک تعامل‌گرایانه انسان با محیط و اتصال حیات انسانی به حیات هستی در نظر گرفته شده است. بر این گمان و بر حسب ادعای پارادایم جدید زیست‌محیطی، افرادی که درک زیست‌محیطی و تعامل‌گرایانه با محیط دارند در حفاظت از آن نیز کوشش بیشتری دارند.

نظریه‌هایی که ارزش‌ها را پایه و اساس محیط‌زیست‌گرایی می‌دانند: طبق نظر اینگلهارت^۳ (۱۳۷۱) محیط‌زیست‌گرایی نمودی از ارزش‌های فرامدرن نظیر کیفیت زندگی و خودبیانگری است که در نتیجه ثروت و امنیت فزاینده در کشورهای پیشرفته ظهور کرده است. برخی نیز دغدغه و رفتار زیست‌محیطی را به نظریه عمومی ارزش‌ها ربط می‌دهند و دریافته‌اند که ارزش‌های

^۱ Tome, G

^۲ Goldblatt, D

^۳ Inglehart, R

دیگرخواهانه در میان افرادی که در فعالیتهای محیط‌زیست‌گرایانه شرکت می‌کنند بیشتر است (جوادی یگانه، ۱۳۸۳). نظریه‌هایی که از رفتار دیگرخواهانه (نوع دوستانه) برای توضیح محیط‌زیست‌گرایی استفاده می‌کنند: جوادی یگانه (۱۳۸۳) معتقد است که این رویکرد اولین بار توسط هبرلین مطرح شد و دارای این پیش‌فرض است که چون کیفیت زیست‌محیطی یک خیر عمومی است، برای شرکت مردم در آن وجود انگیزه‌های نوع‌دوستانه ضروری است. مزیدی (۱۳۹۳) بهترین مثال برای این رویکرد را نظریه اسکوارتز می‌داند، طبق این نظریه رفتار نوع‌دوستانه (شامل رفتار زیست‌محیطی) در پاسخ به هنجارهای اخلاقی شخصی رخ می‌دهد. این هنجارها در افرادی فعال می‌شوند که معتقدند بعضی شرایط خاص باعث تهدید و ایجاد خطر برای دیگران می‌شود (آگاهی از عواقب و پیامدهای ناسازگار یا AC^۲) و می‌دانند که اعمال آنها می‌تواند موجب دفع این پیامدها شود. (احساس مسئولیت یا AR^۳).

بر همین اساس توجه به بعد ادراکی و نگرشی، که همزمان بود با توجه به مدیریت تقاضا و مدیریت رفتار مصرف‌کننده در محیط‌زیست و حضور ناگزیر جامعه‌شناسی برای تبیین این مسئله، افزایش یافت. در این تحقیق نیز با توجه به همین خط سیر بر اهمیت ادراک و نگرش زیست محیطی افراد فعال در این حیطه پرداخته شده است.

سوالات:

دستیابی به اهداف و تحقق سیاست‌های محیط زیست پایدار به آسانی میسر نبوده و معمولاً، مدیریت در این زمینه نیازمند داشتن اطلاعات مناسب جهت برنامه‌ریزی جهت دستیابی به اهداف مورد نظر می‌باشد. به همین دلیل، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به چند سوال مهم و ضروری است که عبارتند از:

۱. کنش‌گران فعال در حوزه محیط زیست نسبت به محیط زیست چه درک و تصویری دارند؟
 ۲. عوامل و دلایل موثر بر شکل‌گیری درک و تصور کنش‌گران فعال در حوزه محیط زیست نسبت به محیط‌زیست چیست؟
 ۳. مکانیزم‌ها و راهکارهای کنش‌گران فعال در حوزه محیط زیست برای ارتقای وضعیت محیط زیست چیست؟
- هدف عمده تحقیق حاضر، مطالعه درک و تصور کنش‌گران فعال در حوزه محیط زیست و عوامل گرایش آنها به این حوزه است.

^۱ Hbrlyn

^۲ Adverse Consequences

^۳ Ascription Of Responsibility to self

روش‌شناسی:

هدف اصلی این پژوهش مطالعه ژرفانگر درباره تصور و ادراک زیست‌محیطی، دلایل این تصور و راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای وضعیت آگاهی زیست محیطی شهروندان از منظر کنشگران فعال در حوزه محیط زیست می‌باشد. برای این منظور روش تحلیل کیفی و به‌طور خاص روش نظریه زمینه‌ای، استفاده شده است. روش کیفی، علاوه بر این که یک روش تحقیق است، نگاهی ویژه به جامعه و روابط انسان‌ها دارد که این نوع نگاه، آن را با ظرافت‌های کار هنری، نزدیک‌تر می‌سازد (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵). تکنیک به کار رفته در این تحقیق، مصاحبه‌های نیم‌ساخت‌یافته^۱ است. در این نوع از مصاحبه که به اعتقاد استربرگ، عمیق نیز نامیده می‌شود، به مصاحبه‌شوندگان اجازه داده می‌شود عقاید و افکار خود را با کلمات مخصوص‌شان بیان کنند تا واقعیت به همان صورت که هست، در اختیار محقق قرار گیرد (استربرگ، ۱۳۸۴). همچنین در این تحقیق از نمونه‌گیری نظری و هدفمند استفاده می‌شود. این شکل از نمونه‌گیری عبارت است از فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی که از این طریق، تحلیل‌گر به طور هم‌زمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی پیدا کند (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۳۸). مولفه‌های نمونه بر اساس معیارهایی انتخاب می‌شوند که امکان دارد در هر مرحله تغییر یابند و در نهایت نمونه‌گیری با رسیدن به اشباع نظری^۲ پایان می‌یابد. در این تحقیق چنین به نظر رسید که با ۴۰ نمونه به اشباع رسیدیم.

یافته‌ها:**الف: داده‌های توصیفی:**

در این تحقیق، با ۴۰ نفر از فعالان این حوزه مصاحبه صورت گرفته است. در این راستا، زنان و مردان به طور یکسان انتخاب شده‌اند تا از فراوانی‌های برابری برخوردار باشند از نظر سنی، بیشترین تعداد مصاحبه‌شوندگان، مربوط به گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال است که ۵۲/۵ جمعیت این تحقیق را دربر می‌گیرند. از نظر شغلی نیز، درصد قابل توجهی از فعالان محیط زیست، کارمندان بخش خصوص هستند و کارمندان دولتی در رده بعدی قرار دارند. علیرغم این ۱۲/۵ درصد از جمعیت، مربوط به بازنشسته‌هاست که این تعداد در صورت فراهم بودن شرایط، بعد از فراغت از کار معمولاً در انجمن‌ها یا تشکلهایی که تشکیل می‌دهند، فعالیت‌های زیست‌محیطی‌شان را انجام می‌دهند و ادعا می‌کنند اثربخشی خوبی نیز دارند. همچنین ۴۲/۵ درصد از مصاحبه‌شوندگان دارای درآمد یک

^۱ Semi- Structured Interviews

^۲ Theoretical Saturation

تا دو میلیون تومان هستند، به طوری که ۲۷/۵ درصد از آن‌ها بین پانصد هزار تا یک میلیون تومان درآمد دارند. از نظر وضع تحصیلات، مقاطع لیسانس و دکترا با اختلاف ۲۰ درصد، به ترتیب، بیشترین میزان فراوانی را دارا هستند و ۱۷/۵ درصد از مصاحبه‌شوندگان دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس هستند. در نهایت، وضعیت مصاحبه‌شوندگان از نظر سازمان فعالیت‌شان بیانگر این است که ۷۰ درصد از آن‌ها، عضو یکی از تشکل‌ها هستند، در مقابل، ۳۰ درصد از مصاحبه‌شوندگان نیز بدون این که به چنین تشکل‌هایی بپیوندند، به طور مستقل به فعالیت در این حوزه مشغول هستند.

ب: بخش دوم: یافته‌های تحلیلی

با نگاه به ادراک و عملکرد کنشگران زیست‌محیطی می‌توان راهنمایی مناسبی برای اعمال سیاست‌های مناسب برای برنامه‌ریزی فراهم نمود. به همین دلیل، در پژوهش حاضر کنش‌گران فعال در حوزه محیط‌زیست مورد مصاحبه قرار گرفتند که نتایج مربوطه در ادامه ارائه می‌شود.

درک و تصور کنش‌گران نسبت به محیط زیست:

سوال اصلی: کنشگران فعال در عرصه محیط زیست، چه ادراکی نسبت به محیط زیست دارند؟ یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که اگرچه کنش‌گران با یک واقعیت اجتماعی به نام محیط زیست روبرو هستند، ولی این واقعیت توسط همه آن‌ها به یک صورت فهم نمی‌شود. بنابراین بر اساس یافته‌ها، می‌توان گفت درک و تصور از محیط زیست، برای افراد متفاوت است. فهم افراد با توجه به متغیرهایی چون جنسیت، سن، طبقه اجتماعی، شغل یا تجارب زیسته‌شان متفاوت است.

جدول شماره ۱: کدگذاری باز و محوری تصور و درک کنشگران نسبت به محیط زیست

مقولات اولیه	مفاهیم	نمونه عبارت
ارزش ذاتی محیط زیست	عدم بینش کارکردگرایانه به محیط/ درکی استعلایی از محیط زیست/ما جزئی از محیط زیست هستیم نه آن جزء ما/ برتری کل بر جزء/ وابستگی یکطرفه انسان به محیط/...	محیط زیست به نظر من یعنی خود زندگی/مثل هنر برای هنر حفظ محیط زیست هم برای خود محیط زیست باید باشد/ محیط زیست در بطن خود دارای ارزش است/ محیط زیست مام حیات است/ ...
ادراک مساوات طلبانه	عدم برتری انسان به محیط/ تعامل دوجانبه انسان با محیط/ احقاق حقوق انسان در گرو حق طبیعت/ اثر بومرنگی تعارضات محیطی/...	محیط زیست همه عناصر زنده و غیرزنده اطرافمان را دربر می گیرد/ هم انسان و محیط زیست به هم وابسته بوده و در تعامل با هم هستند، انسان و محیط زیست مکمل هم می شوند/
توجه به ردیابی اکولوژیک	حفظ پایداری محیط/ تأثیرگذاری بر محیط/ حساس به تأثیر زیست محیطی رفتار شخصی/ ...	از خودم می پرسم که فلان کار و خیرم چه تأثیری بر محیط اطرافم می گذارد/ هر کنشی از طرف من بر مدار کائنات و طبیعت تأثیر ماندگار دارد/ همه مشکلات زیست محیطی از عملکرد ما ناشی شده است/
نگرش فرامرزی	توجه به جهانی شدن/ تطبیق با استانداردهای جهانی/ پیروی از قوانین بین المللی/ ...	در زمینه محیط زیست نباید خود را محدود به چارچوب های جاری کشور کرد/ باید مطابق با استانداردهای جهانی حرکت کرده و از قوانین بین المللی پیروی کنیم/ در عصر جهانی شدن هر حرکتی بعدی بین المللی دارد/ نمی توان قانون ملی و سلیقه ای برای مسائل جهانی داشت/
تصور تعامل یک سویه	محیط زیست برای انسان/ تغییرات در محیط زیست برای کاربری انسان/ محیط زیست برای بقای موجودات/ ...	محیط زیست زمینه بقای موجودات را فراهم می آورد، نه برعکس/ نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فیزیولوژی انسان ها از طریق محیط زیست برآورده می شود/ انسان اشرف مخلوقات است و همه چیز برای اوست/ حفظ محیط زیست نیز باید در گرو کمک به انسان های بعدی باشد نه خود محیط/
نگرش کل گرایانه	کل زنجیره حیات/ عدم محدود کردن محیط زیست به فضایی خاص/ ...	محیط زیست به تمامی چیزهایی که در اطراف ما قرار دارد، زندگی ما را دربر گرفته است و با شیوه زیست ما کنش متقابل دارد، گفته می شود/ محیط زیست کل هستی را از انسان تا کائنات در بر دارد/ زنجیره حیات انسان به محیط زیست در سطح جهانی وابسته است/

منبع: یافته های تحقیق حاضر

همان طور که در جدول بالا مشاهده گردید، با توجه به گفته های مصاحبه شوندگان و با استفاده از کدگذاری باز و محوری تعدادی از مقولات اولیه استخراج گردید. بعد از این مرحله، مقولات عمده- ای استخراج گردید که در سطحی انتزاعی تر به دسته بندی مجدد مفاهیم و مقولات بدست آمده در مرحله قبل می پردازد.

جدول شماره ۲: کدگذاری محوری

ردیف	حوزه مورد بررسی	مقولات جزئی	مقولات اولیه	مقوله محوری	نوع مقولات (زمینه‌ای، تعاملی، پیامدی)
۱	ادراکی	ارزش ذاتی محیط زیست	نگرش استعلایی زیست‌محیطی	ادراک محافظتی	تعاملی
۲		تصور مساوات طلبانه			تعاملی
۳		نگرش کل گرایانه			تعاملی
۴		توجه به ردپای اکولوژیک	اثرات بومرانیگی		پیامدی
۵		نگرش فرامرزی			فرآیندی
۶		تصور تعامل یک سویه	انسان محوری		تعاملی
۷		ارزش ابزاری محیط زیست			تعاملی

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

در پژوهش حاضر، مصاحبه‌های آغازین جمله به جمله خوانده شد و پس از کدگذاری جملات و پاراگراف‌ها مقولات آغازین پدیدار گردید. با تحلیل خطبه خط و مقایسه و مراجعه مکرر به داده‌ها، داده‌های خام به مفاهیم تبدیل گردید و با مقایسه مفاهیم مقولات جزء و مقولات ادغام‌شده و مقولات عمده ساخته شد. با توجه به روش تحلیل مورد استفاده، یعنی نظریه مبنایی، مراجعه به میدان، انجام مصاحبه‌ها و تحلیل همزمان آنها تا آخرین مراحل پژوهش و حتی در حین نوشتن گزارش، به طور مستمر ادامه داشت.

آنچه در جدول بالا نمایش داده شده است، کدگذاری محوری مقولات اخذ شده از مصاحبه‌ها می‌باشد که در ادامه به شکلی تفصیلی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

نگرش استعلایی زیست‌محیطی

نگرش برخی از مصاحبه‌شوندگان نسبت به محیط زیست فراتر از نگاهی تک ساحتی و ابزاری بوده و نگرشی آتی‌نگر و جهان‌وطنی به مسئله محیط زیست داشتند. نگاه این عده مبتنی تصویری مساوات طلبانه بین انسان و محیط زیست و یا فراتر از آن ارزش ذاتی دادن به محیط زیست است. افراد این گروه بعضاً برای محیط زیست ارزش ذاتی قائل هستند و یکی از دغدغه‌های آنها این است که شرایطی را فراهم آورند تا تعادل نظام اطراف‌شان حفظ گردد و به این دلیل در راستای شناسایی موانع و رفع آنها تلاش می‌کنند. آقای ۵۹ ساله، شاغل در بخش خصوصی می‌گوید: «برای تداوم شرایط زندگی نسل کنونی و نسل‌های آینده، و از طرفی برای خود محیط جلوگیری از تخریب محیط زیست و حفظ و پایداری آن بسیار ضروری است. برای تحقق این امر، پایداری نظام‌های

تشکیل دهنده محیط زیست باید هدف انسان‌ها باشد». همچنین خانم ۵۱ ساله با تحصیلات کارشناسی ارشد و از فعالان حیطه محیط زیست معتقد است: «محیط زیست به نظر من یعنی خود زندگی ولدا در بطن خود دارای ارزش بوده و نباید تنها در ارتباط با انسان‌ها تعریف گردد».

اثرات بومرانگی:

اورلیش بک در کتابی با نام جامعه در مخاطره جهانی معتقد است که تخریب محیط زیست دارای اثرات بومرانگی است. به عبارتی اثرات آن برگشت پذیر است و همه طبقات و اشخاص را در هر نقطه از جهان و در طول زمان تحت تأثیر قرار می‌دهد. به گفته بک نابرابری‌های مخاطره‌ای دارای اثرات بومرانگی هستند «افراد ثروتمند در جهان که مسئول آلودگی‌ها هستند نیز سرانجام دامنشان گرفتار کرده خود و البته دیگران می‌شود» (بک، ۱۳۸۸: ۱۰). لذا افراد قرار گرفته در این گروه معمولاً کسانی هستند که نگاهی فرامحلی به محیط زیست داشته و مسائل را در گستره جهانی تحلیل می‌کنند و از طرف دیگر نسبت به بازخورد رفتارهای خود در طبیعت هوشیار هستند. این افراد معمولاً در رابطه با مشکلات و مسائلی که برای هر بخش از محیط زیست به وجود می‌آید، احساس مسئولیت کرده و اقدامات لازم از جمله اطلاع‌رسانی به مردم، تذکر به مسئولان دولتی، انتشار پوستر، برگزاری کنفرانس و نظایر آن را انجام می‌دهند و در این زمینه‌ها خود را محدود به چارچوب‌های جاری کشور نمی‌کنند، بلکه سعی می‌کنند مطابق با استانداردهای جهانی حرکت کرده و از قوانین بین‌المللی پیروی کنند. همچنین توجه به ردپای اکولوژیکی در میان افراد این گروه بسیار شهود بود. این مفهوم نخستین بار توسط ماتیس و کرناگل و ویلیام ریز در دانشگاه بریتیش کلمبیا در کتابی با عنوان "رد پای اکولوژیکی" به کار گرفته شد تا در مورد تأثیری که افراد بر محیط زیست و اکولوژی می‌گذارند، هشدار دهند. به اعتقاد این دو اندیشمند، هر فردی به تناسب مقداری که از طبیعت اشغال کرده است، بر آن تأثیر می‌گذارد. مصاحبه‌شوندگان در این گروه، معتقدند که به اثر حضور خود و فعالیت‌هایی که در محیط زیست انجام می‌دهند، توجه دارند. در واقع حساسیت ویژه‌ای نسبت به حرکات و نوع رفتارشان دارند تا آسیبی از جانب آن‌ها محیط را تهدید نکند. خانم ۳۷ ساله، دارای مدرک کارشناسی و با شغل روزنامه‌نگاری بیان می‌کند: «همیشه سعی می‌کنم این سوال را از خودم بپرسم که فلان کار و خبرم چه تأثیری بر محیط اطرافم و یا افراد دیگر جامعه می‌گذارد؟ این طوری بیشتر حواسم را جمع می‌کنم».

در مجموع این دو دسته از مقولات را می‌توان در یک دسته‌بندی کلی‌تر نگرش خاص‌گرایانه تقسیم بندی شدند. می‌توان گفت، دیدگاه‌های خاص‌نگر، مربوط به تعاریف آن دسته از کنش‌گرانی است که در حوزه‌های ویژه‌ای از محیط زیست، به طور تخصصی فعالیت می‌کنند و نگاهی خاص، عمیق و تخصصی به محیط زیست دارند. مثلاً، کنش‌گرانی که به حفاظت از گونه‌های نادر گیاهی و جانوری مشغول هستند، یا تشکل‌های فعالی در مورد پدیده گازهای گل‌خانه‌ای، گرم شدن زمین یا

حفره لایه ازن دارند، چنین دیدگاهی نسبت به محیط‌زیست دارند. به اعتقاد این گروه، محیط زیست دارای ارزشی ذاتی است که جایگاهی مستقل از برآورده ساختن نیازهای انسان دارد.

انسان محوری:

در مباحث زیست محیطی، انسان‌محوری به دنبال رهیافتی مدیریتی نسبت به مسائل زیست محیطی است و دلخوش به این باور است که بدون هرگونه دگرگونی بنیادی در ارزش‌های کنونی یا الگوهای تولید و مصرف می‌توان مسائل زیست‌محیطی را از میان برداشت. در این رویکرد محیط‌زیست تا زمانی دارای ارزش است که اولاً توسط انسان مهار شود و در ثانی برای رفع حواجیح و نیازهای انسان مورد بهره‌برداری قرار گیرد. لذا انسان دارای ارزش و محیط زیست دارای کاربرد می‌شود. تعامل یک سویه با محیط زیست و به نفع انسان نتیجه اجتناب‌ناپذیر چنین تفکری است که سبب می‌شود توجه به محیط زیست هم تنها در پرتو کارکرد آن معنا یابد. دابسون نیز به در این زمینه به عقیده زیست‌بوم‌گرایان اشاره می‌کند که معتقدند یکی از دلایل مراقبت افراد از محیط زیست، به خاطر مصلحت خودشان است (دابسون، ۱۳۸۸: ۳۵). خانم ۵۳ ساله با تحصیلات کارشناسی در این زمینه معتقد است: «محیط زیست زمینه بقای موجودات را فراهم می‌آورد، نه برعکس. به عبارتی، نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فیزیولوژی انسان‌ها از طریق محیط زیست برآورده می‌شود.»

عوامل و دلائل موثر بر شکل‌گیری درک و تصور کنش‌گران نسبت به محیط زیست:

سوال: چه عواملی بر درک و تصور کنش‌گران نسبت به محیط زیست تأثیرگذار است؟
در این بخش، به عوامل و نهادهایی که باعث شکل‌گیری ذهنیت خاص فعالان محیط زیست شده، اشاره می‌شود. ارزیابی یافته‌ها نشان می‌دهد که گرایش به محیط زیست از عوامل مختلفی ناشی می‌شود که مربوط به خود فرد یا عوامل بیرونی است. به همین منظور، می‌توان عوامل و نهادهای موثر را در سه سطح خرد، متوسط و کلان دسته‌بندی کرد. در سطح خرد به عوامل فردی، در سطح متوسط به تاثیر نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و در سطح کلان نیز به عوامل فرهنگی، نقش رسانه‌ها و نظایر آن اشاره می‌شود.

جدول شماره ۳: عوامل و دلایل موثر بر شکل‌گیری درک و تصور کنش‌گران نسبت به محیط زیست

مقولات	مفاهیم	نمونه عبارت
دلایل شخصی	علاقه‌مندی نهادینه شده از کودکی/ تجربیات سفر/ ارتباط با دوستان	یک علاقه‌ای از همان بچگی در من وجود داشت که رفته رفته بیشتر می‌شد/ در برنامه های زیست محیطی که در کوه تشکیل می شود شرکت میکنم/ ...
رشته تحصیلی	رشته تحصیلی دبیرستان/ رشته تحصیلی دانشگاه/ کلاس‌های فوق برنامه	حین تحصیل به کتاب‌های زیست‌شناسی گرایش زیادی پیدا کردم و از طریق آن به محیط زیست علاقه مند شدم/ در دانشگاه ما انجمن محیط زیست خیلی فعال بود/ رشته منابع طبیعی که خواندم مرا به محیط زیست علاقه مند کرد/...
علاقه به طبیعت	علاقه به حیوانات/ علاقه به حیات وحش/ علاقه به جنگل و دریا/ کسب آرامش از طبیعت	در کودکی خیلی به حیوانات علاقه داشتم/ الان به خاطر علاقه به حیوانات در شاخه یوزپلنگ فعالیت می‌کنم/ بیشترین آرامش خودم را در شمال از طبیعت دریا و جنگل می‌گیرم/ عاشق طبیعت کویر هستم/ عمیق شدن در طبیعت من را یاد خدا میندازه/...
مطالعه و تحقیق	گردش در سایت‌های اینترنتی/ مطالعات تخصصی/ مطالعات تفریحی/ کسب اطلاعات عمومی	در این چند سال اخیر مدام بین سایت‌های زیست‌محیطی و کتب مرتب، جستجو می‌کردم/ همیشه برنامه های مستند زیست محیطی را دنبال می‌کنم/ من ماهیانه اشتراک مجله محیط زیست را دارم و مطالعه می‌کنم/ در بخش تخصصی محیط زیست روزنامه‌ای خبرنگار هستم/...
نگاه انتقادی	انتقاد به مسائل کشور/ انتقاد به دولت/ انتقاد به مردم	نسبت به اتفاقات پیرامونم، سوال و انتقاد داشتم. از جمله محیط‌زیست/ یکی از انتقاداتی که همیشه به دولت داشتم بی توجهی به مسائل زیست محیطی بوده است/ نمی‌شود عاشق محیط زیست بود و به رفتار مردم انتقاد نداشت...
نهاد خانواده	تربیت خانوادگی/ علاقه‌مندی والدین/ ارتباط با زادگاه والدین	حرف‌ها و رفتارهای والدینم خیلی در گرایش من به سمت محیط‌زیست موثر بود/ خانواده من شمالی و اهل طبیعت هستند/ همیشه پدرم درباره احترام به طبیعت به من گوشزد می‌کرد/ برادرم فعال محیط زیست بود/...
اقتضائات شغلی	ارتباطات شغلی مستقیم/ ارتباطات شغلی تصادفی/	شغل مهندسی سدسازی، مرا بیشتر از قبل به محیط زیست حساس تر کرد/ از طریق مهندسی کشاورزی با طبیعت اخت شدم/ با ویرایش صفحات محیط زیستی در روزنامه به این مسائل علاقه مند شدم/
گروه دوستان و همالان	دوستان دوستدار محیط زیست/ دوستان فعال در محیط زیست	در دبیرستان، یکی از دوستان صمیمی‌ام عضو یکی از تشکلهای زیست‌محیطی شد و من هم یکی دوبار با او در جلسات‌شان شرکت کردم و همان اتفاقات، مسیر زندگی‌ام را به این سمت تغییر داد/ با دوستانم هر زمان به کوه برویم زباله‌ها را جمع می‌کنیم/ دوستان زیادی در انجمن‌های محیط زیستی دارم/...
عوامل فرهنگی	مسئولیت‌پذیری در قبال آیندگان/ پیشرفت علم و ارتباطات/ احترام به حقوق دیگران/ توجه به هویت فرهنگی/ تبادلات فرهنگی/ همراهی با جامعه جهانی	خیلی افسوس می‌خورم که از ما چه چیزی برای نسل آینده می‌ماند/ از طریق شبکه جهانی همه اطلاعات زیست محیطی را می‌توان دریافت کرد/ طبیعت یعنی دور شدن از منبت و سخاوت برای دیگران و محیط/ از طریق عضویت در شبکه جهانی حمایت از آب در محیط زیست فعال هستم و اطلاعات کسب می‌کنم/...
آموزش و پرورش	گنجاندن مباحث زیست محیطی در درس/ همکاری انجمن‌ها با آموزش و پرورش/ عملکرد معلمان/	نظام آموزش پرورش اگر برنامه‌ریزی منظمی برای آموزش در زمینه محیط زیست داشته باشد، می‌تواند پایه‌گذار تشکیل اصناف زیست‌محیطی شود/ بعد از والدین، معلمین بهترین کسان برای آموزش محیط زیست هستند/ انجمن‌های محیط زیست باید شعبه در مدارس داشته باشند/...

ادامه جدول شماره ۳: عوامل و دلایل موثر بر شکل‌گیری درک و تصور کنش‌گران نسبت به محیط زیست

مقولات	مفاهیم	نمونه عبارت
رشد و توسعه	دیداری/شنیداری/مکتوب/	من و چند تن از دوستانم که عضو یک تشکیلی بودیم، برخی مناطق جنوبی کشور را در حوزه محیط زیست فیلم‌برداری و مستندسازی کردیم/تبلیغات شهری و بیلبوردها در رابطه با محیط زیست آدم را مجبور به تفکر می‌کند/...
توانمندی	عضویت در تشکل‌ها/ تأسیس تشکل زیست محیطی	در سال ۷۴ از طریق آگهی روزنامه با فعالیت‌های اولین تشکل محیط‌زیستی در ایران آشنا شدم که نشستی برای معرفی خودشان برگزار کرده بودند/ عضو هیئت مدیره و هیئت امنای تشکل زیست محیطی هستم/...

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده گردید، با توجه به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان و با استفاده از کدگذاری باز و محوری، تعدادی از مقولات اولیه استخراج گردید. بعد از این مرحله، مقولات عمده‌ای استخراج گردید که در سطحی انتزاعی‌تر به دسته‌بندی مجدد مفاهیم و مقولات بدست آمده در مرحله قبل می‌پردازد.

جدول شماره ۴: کدگذاری محوری

نوع مقولات (زمینه‌ای، تعاملی، پیامدی)	مقوله محوری	مقولات اولیه	مقولات جزئی	حوزه مورد بررسی	ردیف
زمینه‌ای	عامل عاملیت و سازندگی در ادراکات زیست محیطی	شرایط	رشته تحصیلی	زمینه ادراک‌پذیری	۱
پیامدی			نگاه انتقادی		۲
تعاملی		علائق	مطالعه و تحقیق		۳
تعاملی			علاقه به طبیعت		۴
زمینه‌ای			علائق شخصی		۵
زمینه‌ای		جامعه‌پذیری	نهاد خانواده		۶
زمینه‌ای		دوران کودکی	گروه دوستان و همالان		۷
زمینه‌ای		شرایط محیطی	اقتضانات شغلی		۸
زمینه‌ای		تأثیر انفعالی	عوامل فرهنگی		۹
زمینه‌ای			آموزش و پرورش		۱۰
تعاملی			رسانه جمعی		۱۱
تعاملی		مشارکت فعال	تشکل‌های مردم نهاد		۱۲

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

آنچه در جدول بالا نمایش داده شده است، کدگذاری محوری مقولات اخذ شده از مصاحبه‌ها می‌باشد که در ادامه به شکلی تفصیلی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

شرایط

در سطح خرد می‌توان به شرایطی اشاره داشت که بر نوع نگرش زیست‌محیطی افراد تأثیرگذار است. در اینجا مراد از شرایط، بیشتر بر عوامل بیرونی است. از جمله رشته تحصیلی و نگاه انتقادی. عده‌ای از کنش‌گران، رشته تحصیلی‌شان را در گرایش خود به محیط زیست دخیل می‌دانند. البته همان‌طور که از شواهد پیداست، تأثیرگذاری رشته تحصیلی در کنار مولفه‌های دیگری چون شغل و شیوه زندگی بروز پیدا می‌کند و به تنهایی - به جز در اندکی موارد- نقش اساسی ندارد. برای مثال، آقای ۳۰ ساله که دانشجوی مقطع کارشناسی‌ارشد است، می‌گوید: «رشته‌ام نقش بزرگی در گرایش من به حوزه محیط زیست داشته است، شاید اگر در رشته دیگری تحصیل می‌کردم، به این اندازه نسبت به محیط اطرافم احساس مسئولیت نمی‌کردم. از این بابت خیلی خوشحالم».

برخی نیز به شرایط کشور و نظام انتقاداتی را داشتند و لذا برخی مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کردند به خاطر دید انتقادی‌ای که به مسائل کشور دارند، به محیط زیست و مسائل آن توجه ویژه‌ای نشان می‌دهند. این افراد معمولاً نگاه نقادانه‌ای به برنامه‌های دولتی دارند و معتقدند برای رسیدن به پایداری محیط، باید برنامه‌هایی بایستاد در کشور طراحی و اجرا شوند. خانم ۵۹ ساله با مدرک دکترا و کارمند بخش خصوصی، بیان می‌کند: «نسبت به اتفاقات پیرامونم، سوال و انتقاد داشتم. در رابطه با مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور و به خصوص وقتی وارد دانشگاه شدم، دایره انتقاداتم به مسائل روز دنیا هم کشیده شد و بیشتر از همه روی محیط زیست حساسیت‌های ویژه‌ای پیدا کردم».

علائق

در رابطه با علائق، فرض بر این قرار داده شد که افراد با اراده فردی و بدور از اجبار اجتماعی و بر حسب علائق و خواسته‌های شخصی خود به محیط زیست توجه می‌کنند. این علائق از عوامل مختلفی از جمله مطالعات و تحقیقات حاصل شده بود. برای مثال، خانم ۳۲ ساله با تحصیلات کارشناسی و شاغل در بخش خصوصی می‌گوید: «در زمینه حیات وحش خیلی مطالعه می‌کردم و از هر فرصتی که پیش می‌آمد برای این کار بهره می‌گرفتم. هرچقدر که اطلاعاتم بالاتر می‌رفت، بیشتر به محیط زیست و حفاظت از آن علاقه‌مند می‌شدم».

همچنین برخی از افراد، عنوان می‌کردند به دلیل علاقه‌ای که از کودکی به حیوانات داشتند، وارد این حوزه شدند و کم‌کم نسبت به زوایای دیگر محیط زیست، شناخت پیدا کردند. به عبارتی، علاقه به بخشی از محیط زیست، آن‌ها را جذب دنیای بزرگ‌تری کرده که اکنون در آن فعال هستند. خانم

۳۸ ساله، کارمند و دارای مدرک کارشناسی می‌گوید: «یکی از آرزوهای من این بود که در زمینه مراحل تکامل انسان‌ها، حقوق حیوانات، گونه‌های جانوری و شناخت محیط زیست ملی و بین‌المللی فعالیت کنم. به خاطر همین الان، همه کار و زندگی‌م، وقف این حوزه شده است».

جامعه‌پذیری دوران کودکی

در سطح میانه دو دسته دیدگاه قابل مقوله‌بندی بود، جامعه‌پذیری دوران کودکی و شرایط محیطی که هر یک خود دارای زیرمجموعه‌هایی است. به اعتقاد کنش‌گران، نهاد خانواده یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین نهادهایی است که بستر لازم برای ایجاد ارتباط بین افراد و جامعه را فراهم می‌آورد. شیوه برخورد والدین با محیط زیست و روش‌هایی که برای تربیت فرزندان‌شان در پیش می‌گیرند، یکی از عوامل تاثیرگذار در گرایش فرزندان به این حوزه است بروس کوئن نیز، اجتماعی شدن را فراگردی می‌داند که انسان‌ها از طریق آن، شیوه‌های زندگی جامعه‌شان را یاد می‌گیرند و آمادگی لازم برای عضویت در یک جامعه را کسب می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۸: ۷۴). بنابراین نحوه تربیت والدین و برخوردهای آن‌ها با محیط زیست، روی رفتارهای فرزندان‌شان تاثیرگذار است. در این زمینه خانم ۲۸ ساله با تحصیلات دیپلم که عضو یکی از تشکلهای مردمی است، می‌گوید: «حرف‌ها و رفتارهای والدینم خیلی در گرایش من به سمت محیط زیست موثر بود، چون تا جایی که می‌توانستند ما را راهنمایی می‌کردند تا مراقب رفتارهای خودمان در طبیعت و محیط زیست باشیم».

همچنین یکی دیگر از راه‌های اجتماعی شدن، ارتباط فرد با دوستان هم سن و سال خویش است که مصاحبه‌شوندگان به این امر نیز اشاره داشتند. برخی از آن‌ها از طریق دوست‌شان برای اولین بار با فعالیت‌های کنش‌گران محیط زیست آشنا شده و به این حوزه علاقه پیدا کرده‌اند. در این زمینه آقای ۵۱ ساله با تحصیلات دیپلم و روزنامه‌نگار می‌گوید: «من و چند نفر از دوستانم برنامه رفتن به کوه داشتیم، وقتی در طول مسیر مدام با زباله‌ها برخورد می‌کردیم، خیلی افسوس می‌خوردیم. کم‌کم این حساسیت‌مان شکل جدی‌تری به خود گرفت و تصمیم گرفتیم از دفعات بعد کیسه زباله بیاوریم و جلوی خود مردم، زباله‌شان را جمع کنیم. این اتفاق، ما را به محیط زیست بیشتر علاقه‌مند کرد و تاثیراتی هم روی برخی مردم گذاشت».

شرایط محیطی

در محیط اجتماعی افراد، بعد از دوران کودکی و جمع خانواده و دوستان، می‌توان شرایط کاری و تعامل با همکاران را از مهمترین عواملی دانست که سبب تغییر نگرش در افراد می‌شود. اقتضائات شغلی می‌تواند حساسیت‌های خاصی را نسبت به محیط زیست ایجاد کند، به طوری که در بسیاری از مشاغل، کدها و نشانه‌های ویژه‌ای وجود دارد که افراد را نسبت به این حوزه حساس‌تر می‌کند. تاثیر شغل به دو صورت، خود را نشان می‌دهد. از یک طرف نوع شغل در گرایش افراد به محیط

زیست موثر است، یعنی توجه به محیط زیست، در ذات چنین شغل‌هایی نهفته است و هیچ‌گیزی از آن نیست، و از طرف دیگر کنش‌گران به خاطر تاثیرگذاری بیشتر در حوزه محیط زیست به طور عمد، حرفه خاصی را دنبال می‌کنند که توجه به محیط زیست در آن حرفه، به طور تصادفی ایجاد می‌شود و روزنامه‌نگاری یکی از این مشاغل است. در این زمینه، آقای ۵۵ ساله روزنامه‌نگاری با تحصیلات دیپلم‌گوید: «از سن نوجوانی وارد تشکیل‌های زیست‌محیطی شدم و رفته رفته فعالیت‌هایم جدی‌تر شد و در نهایت به این نتیجه رسیدم که فقط از طریق روزنامه‌نگاری می‌توانم مردم و مسئولان را از وقایع دنیای محیط زیست آگاه کنم و حرف‌های انتقادی خودم را بزنم. با این‌که فضای جامعه، زیاد اجازه این کار را نمی‌دهد، ولی من کار خودم را می‌کنم».

تأثیر انفعالی:

در سطح کلان نیز عوامل مختلفی مدنظر افراد مصاحبه شونده بود. در این سطح، کنش‌گران به نهادهای اصلی جامعه و تأثیراتی که هریک از آن‌ها می‌توانند داشته باشند، نظیر عوامل فرهنگی، نهاد آموزش و پرورش، دروس دانشگاهی و رفتار اساتید، نقش رسانه‌های جمعی، تشکل‌های مردمی و نحوه تولید و مصرف جوامع سرمایه‌داری اشاره کردند. در این زمینه در سطح کلان دو کد محوری تحت عنوان تأثیر انفعالی و مشارکت فعال مد نظر قرار گرفت. منظور از تأثیر انفعالی شرایطی بود که افراد معمولاً قادر به دخل و تصرف در آن نبوده و لذا به شکلی انفعالی از آن تأثیر می‌پذیرند. برای مثال عامل فرهنگ و ارتقای فرهنگی یکی از این موارد بود. تقریباً می‌توان گفت همه مصاحبه‌شوندگان، به نقش انکارناپذیر سیستم آموزشی کشور بر آگاهی‌شان اذعان دارند. اغلب آن‌ها معتقدند که اگر آموزش و پرورش، برنامه مدونی در زمینه محیط زیست در طرح دروس خود بگنجانند، به طور قطع، باعث نهادینه شدن برخوردهای مطلوب با محیط زیست خواهد شد و هرچه این آموزش‌ها از سنین پایین‌تر و حتی از مهدکودک‌ها شروع شود، تاثیر دوجندان خواهد داشت. تعداد زیادی از اعضا یا موسسین تشکل‌های زیست‌محیطی، از تجارب خود در زمینه برنامه‌هایی صحبت کردند که از طریق مدارس برای بچه‌ها برگزار شده و نتایج تاثیرگذاری داشته است. برای مثال خانم وبلاگ‌نویس، ۴۱ ساله با تحصیلات فوق‌دیپلم می‌گوید: «از طریق تشکلی که در آن عضو هستم، به مدارس می‌رویم و آموزش‌های لازم را به دانش‌آموزان انتقال می‌دهیم. تاثیر آموزش‌ها، فوق‌العاده است. به خصوص اگر در سنین پایین‌تر اتفاق بیفتد». البته به گفته مصاحبه‌شوندگان، بستر همکاری با اداره آموزش پرورش، به راحتی فراهم نمی‌شود و برخی از آن‌ها هفته‌ها یا ماه‌ها زمان صرف می‌کنند تا مجوز آموزش کسب کنند. درین خصوص خانم ۳۰ ساله، با تحصیلات کارشناسی و عضو یکی از تشکل‌ها می‌گوید: «اگرچه همه فعالان و تشکل‌ها به تاثیر آموزش در مدارس واقف هستند، ولی می‌دانند که باید از هفت‌خان پیچیده اداری جان سلامت به در برند.

تشکل ما برای گرفتن مجوز ۱۰ ساعت آموزش برای یکی از مدارس اطراف تهران، مسیر دشواری را طی کرد.»

به اعتقاد کنش‌گران، یکی دیگر از نهادهای تاثیرگذار در ارتقاء آگاهی‌شان، رسانه‌ها هستند که به صورت دیداری، شنیداری و مکتوب قابل استفاده‌اند. به اشاره آن‌ها، تلویزیون از طریق برنامه‌های متنوعی مثل تولید و پخش فیلم، سریال، آگهی‌های بازرگانی و انیمیشن و همچنین پوشش دادن کنفرانس‌ها و نشست‌های داخلی و خارجی مربوط به محیط زیست، مصاحبه با مهره‌های اصلی فعالان محیط زیست، نظرخواهی از مردم و انواع دیگر برنامه‌های دیگر، در آگاه شدن آن‌ها نقش موثری ایفا کرده است. آقای ۶۱ ساله‌ای که بازنشسته بخش خصوصی و دارای تحصیلات دیپلم است، می‌گوید: «من و چند تن از دوستانم که عضو یک تشکلی بودیم، برخی مناطق جنوبی کشور را فیلم‌برداری و مستندسازی کردیم و فیلم را برای نمایش به صدا و سیما تحویل دادیم. جالب بود مردم محلی خیلی دوست داشتند منطقه و شیوه زندگی خود را در قالب فیلم تماشا کنند و استقبال خوبی کردند، طوری که بعدها خودشان، زمام خیلی از امور را به دست گرفتند تا از محیط منطقه‌شان بهتر محافظت کنند.»

در رابطه با مشارکت فعال در مصاحبه‌ها حضور افراد در تشکل‌های مردم‌نهاد مطرح گردید. عده‌ای از کنش‌گران، پیوستن به تشکل‌های زیست‌محیطی، شرکت در اردوهای محیطی و یا تاسیس تشکل مستقل را به عنوان عوامل آگاهی بیشتر خود در این زمینه ذکر کرده‌اند. عضویت در این تشکل‌ها، هویت اجتماعی خاصی را ایجاد می‌کند و معمولاً تشکل‌هایی که در زمینه محیط زیست فعالیت می‌کنند، باعث ایجاد نوعی هویت ملی می‌شوند، چون اعضای چنین تشکل‌هایی، در ورای خواست‌های فردی و شخصی‌شان عمل می‌کنند. در این زمینه آقای ۶۰ ساله مستندسازی با تحصیلات کارشناسی می‌گوید: «از آن‌جا که محیط زیست خیلی گسترده است و مسائل آن در شاخه‌های مختلفی مطرح می‌شود، تشکل‌ها می‌توانند نقش موثری در آگاه شدن بقیه افراد جامعه داشته باشند و در زمینه‌های گوناگون، راهنمای مردم باشند.»

راهکارهای کنش‌گران برای بهبود وضعیت محیط زیست:

سوال: کنش‌گران چه راهکارهایی را برای بهبود وضعیت زیست محیطی ارائه می‌دهند؟
کنش‌گران بنا به تجاربی که در اثر فعالیت‌های زیست‌محیطی‌شان به دست آورده‌اند، به ارائه برخی پیشنهادات جهت بهتر شدن وضعیت پرداختند که می‌توان آن‌ها را در دو دسته راه کارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت جای داد که مورد اخیر در اشکال فرهنگی و سازمانی دسته‌بندی می‌شود. راه کارهای کوتاه‌مدت عمدتاً دربرگیرنده فعالیت‌های فردی است، حال آن‌که راه کارهای بلندمدت، بیانگر نگاه‌های ساختاری به قضیه است و به نظر می‌رسد در این ارتباط، نیاز به یک عزم ملی داریم.

شکل شماره ۵: راهکارهای کنش‌گران برای بهبود وضعیت محیط زیست:

مقولات	مفاهیم	نمونه عبارت
اجرای قانون	بندها و مفاد قانونی، برخورد قانونی، جرائم نقدی و غیرنقدی	برخی اوقات باید به تنبیه عملی مردم پرداخت/ لازم است یکسری جریمه‌هایی برای متخلفین در نظر گرفته شود/مثل قوانین رانندگی جریمه نقدی بگذارند/ قانون باید سختگیری کند
قدرت اجرایی	زمینه‌سازی برای رفتارهای داوطلبانه، قدرت یافتن فعالان، حمایت قانونی از فعالان.	باید زمینه را برای انجام فعالیت‌های داوطلبانه مردم فراهم کنیم/ به فعالان باید دامنه فعالیت قانونی وسیع‌تری داده شود/ فعالان محیط زیست باید حمایت شوند/....
الگوسازی	الگوبرداری از افراد موفق، توجه به الگوهای موفق در جهان، الگوبرداری از انجمن‌های موفق	باید فعالان و شخصیت‌های برجسته این حوزه شناسایی و معرفی شوند و از نظرات‌شان در عمل استفاده شود/ باید الگوهای موفق در جهان را به مردم معرفی کرد/ باید در جشن‌های سالانه از انجمن‌ها و فعالان برتر تقدیر شود/....
رشد اکوتوریسم	مشارکت محلی‌ها، برگزاری کارگاه‌های اکوتوریسم، اعطای گواهی‌نامه تورهای محلی به محلی‌ها	هیچ جایی را بدون علاقه و مشارکت افراد آن منطقه، نمی‌توانیم حفظ کنیم/ اگر مردم محلی اطلاعات لازم را داشته باشند بهتر از هر کس دیگری می‌توانند مراقب منطقه‌شان باشند/ باید کارگاه‌هایی باشد که به توریسم یاد دهد از محیط زیست مراقبت کند/ باید از مدیریت تورهای محلی حمایت کرد/....
توسعه شهروندی	فرهنگ‌سازی عمومی، مشارکت مردمی، برساخت کردن مسئله،	باید در برخی نگرش‌ها، ارزش‌ها و ساختارهای کشور، اصلاحات اساسی انجام گیرد/ باید به مردم محلی اجازه مانور داد/ رسانه در اطلاع رسانی مکرر نقش مهمی دارد/....
سرمایه گذاری آموزشی	تربیت توسعه یار در مدارس، ایجاد کمیسیون محیط زیست در مدارس	باید آموزش را حتی از مهدکودک‌ها شروع کرد/ خیلی از برنامه‌ها را می‌توان در مدارس پیاده کرد/ باید انجمن‌های مدرسه‌ای زیست محیطی رونق بگیرد/....

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

آنچه در جدول بالا نمایش داده شده است، کدگذاری محوری مقولات اخذ شده از مصاحبه‌ها می‌باشد که در ادامه به شکلی تفصیلی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

شکل شماره ۶: کدگذاری محوری

ردیف	حوزه مورد بررسی	مقولات جزئی	مقولات اولیه	مقوله محوری	نوع مقولات (زمینه‌ای، تعاملی، پیامدی)
۱	راهکارهای ارتقای محیطی	اجرای قانون	اقتدار	نهادگرایی نهادینه شده	تعاملی
۲		قدرت اجرایی فعالان			تعاملی
۳		رشد اکوتوریسم	توسعه فرهنگی		تعاملی
۴		توسعه شهروندی			
۵		سرمایه گذاری آموزشی	توسعه آموزشی		تعاملی
۶		الگوسازی			تعاملی

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

در ادامه مقولات اخذ شده از کدگذاری باز و محوری، به تفکیک بررسی و توضیح داده خواهد شد.

اقتدار و اجبار

استفاده از راهکار اقتدار و اجبار از مهمترین پیشنهادهاتی بود که توسط کنشگران و فعالان زیست محیطی مطرح شد. اگرچه بر این عامل تأکید داشتند اما باید در نظر داشت که اقتدار اگر در کنار دیگر عوامل قرار نگیرد، می‌تواند تنها به عنوان راه کاری کوتاه‌مدت در نظر گرفته شود. خانم ۴۰ ساله، با تحصیلات دیپلم و یکی از فعالین شاغل در بخش خصوصی می‌گوید: «برخی اوقات باید به تنبیه عملی مردم پرداخت. به نظر من لازم است یکسری جریمه‌هایی برای متخلفین در نظر گرفته شود تا شاید مثل بحث بستن کمربند، بحث‌های مربوط به محیط زیست نیز جا بیفتد».

توسعه فرهنگی - آموزشی

راه‌کارهایی که بتواند در بلندمدت نتیجه‌بخش باشد، اصلاحاتی در فرهنگ و ساختارهای کشور است. کنش‌گران معتقدند مهم‌ترین تغییرات در زمینه محیط زیست، باید از بخش فرهنگی شروع شود. برخی از استراتژی‌های آن‌ها در زمینه فرهنگ عبارتند از: سرمایه‌گذاری آموزشی، فرهنگ-سازی عمومی، به مشارکت طلبیدن مردم، ایجاد رسانه‌های تخصصی، درونی کردن حساسیت مردم، پرهیز از نگاه جنسیتی، تربیت توسعه‌یاب در مدارس و سطح جامعه، آموزش محیط‌بانان، هماهنگی با قوانین طبیعت، آموزش اجرای صنعت کمپوست در منازل، ایجاد کمیسیون محیط زیست در مدارس. خانم ۵۸ ساله‌ای که مدرس دانشگاه و دارای مدرک دکتراست، می‌گوید: «مهم‌ترین روش، آموزش است. باید آموزش را حتی از مهدکودک‌ها شروع کرد. خیلی از برنامه‌ها را می‌توان در مدارس پیاده کرد و از این طریق، بحث‌ها را در خانواده‌ها نهادینه کرد».

کدگذاری گزینشی

کدگذاری گزینشی بر آخرین قدم در تجزیه و تحلیل دلالت دارد. در این مرحله، ادغام مفاهیم بر محور مقوله اصلی و تکمیل مقوله‌هایی انجام می‌شود که به گسترش و اصلاح نیاز دارد. همچنین یادداشت‌ها و نمودارها مانند یک آینه، پیچیدگی و عمق تفکری را نشان می‌دهد که باعث پیدایش نظریه می‌شود (کوربین و اشتروس، ۱۳۸۵: ۲۱۷)

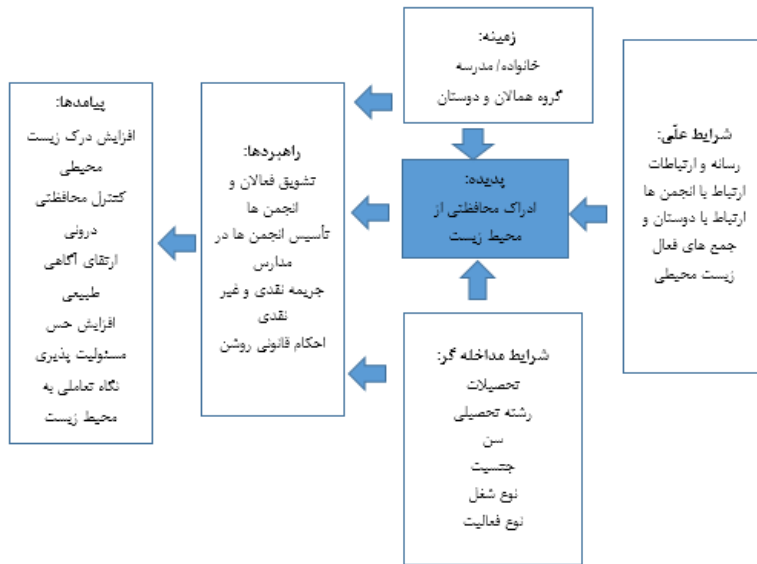
در جدول زیر و در کدگذاری نهایی مقوله هسته مشخص شده است. و در نهایت بر حسب این مقوله هسته و در مدل نهایی طراحی شده، ارتباط این مفاهیم و مقولات اولیه و نهایی نشان داده شده است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

جدول شماره ۷: جدول نهایی کدگذاری های باز، محوری و گزینشی

ردیف	حوزه مورد بررسی	مقولات جزئی	مقولات اولیه	مقوله محوری	مقوله هسته
۱	راهکارهای ارتقای محیطی	اجرای قانون	اقتدار	نهادگرایی نهادینه شده	ادراک محافظتی از محیط زیست
۲		قدرت اجرایی فعالان			
۳		رشد اکوتوریسم	توسعه فرهنگی		
۴		توسعه شهروندی			
۵		سرمایه گذاری آموزشی	توسعه آموزشی		
۶		الگوسازی			
۷	زمینه ادراک پذیری	رشته تحصیلی	شرایط	تعامل عاملیت و ساختار در ادراکات زیست محیطی	
۸		نگاه انتقادی			
۹		مطالعه و تحقیق	علائق		
۱۰		علاقه به طبیعت			
۱۱		علائق شخصی			
۱۲		نهاد خانواده	جامعه پذیری دوران کودکی		
۱۳		گروه دوستان و همالان			
۱۴		اقتضانات شغلی	شرایط محیطی		
۱۵		عوامل فرهنگی			
۱۶		آموزش و پرورش	تأثیر انفعالی		
۱۷		رسانه جمعی			
۱۸		تشکل های مردم نهاد	مشارکت فعال		
۱۹		ارزش ذاتی محیط زیست			
۲۰		ادراک	تصور مساوات طلبانه		
۲۱	نگرش کل گرایانه				
۲۲	توجه به ردپای اکولوژیک		اثرات بومرانی		
۲۳	نگرش فرامرزی				
۲۴	تصور تعامل یک سویه		انسان محوری		
۲۵	ارزش ابزاری محیط زیست				

منبع: یافته های تحقیق حاضر

همانطور که در جدول بالا مشاهده می شود در مرحله نهایی از کد گذاری، در پس عوامل و شرایط و زمینه های موجود در کنش فعالان محیط زیست، ادراک محافظتی از محیط زیست پدیدار می گردد که در خط سیر داستانی می توان آن را مقوله هسته ای دانست که فرایند کل تحقیق صورت گرفته در نهایت در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل شماره ۱: مدل نهایی پارادایمی درک و تصور زیست محیطی کنشگران از محیط زیست

همان‌طور که جدول و شکل بالا نشان داد، کدگذاری گزینشی از مقولات ابتدایی و کدهای باز و محوری اخذ شد. خط سیر داستان بر حسب شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای زمینه ساز مقوله هسته‌ای شد که خود راهبردها و پیامدهایی را به دنبال دارد.

نتیجه‌گیری:

در این پژوهش، درک و تصور کنش‌گران فعال در حوزه محیط زیست مورد مطالعه قرار گرفت تا نسبت به تعاریف آن‌ها از این حوزه، دلایل و نهادهای تاثیرگذار در گرایش آن‌ها و راه کارهای پیشنهادی ایشان در مورد مسائل محیط زیست، شناختی حاصل گردد که برای رسیدن به این مقصود، داده‌های تحقیق کدگذاری شدند. کدگذاری که همواره چهار مرحله مفهوم‌سازی، فروگاهی، مقوله‌پردازی و ربطدهی را در برمی‌گیرد، در این تحقیق، در سه بخش تصور از محیط زیست، دلایل این تصور و راهکارهای آگاهی‌رسانی زیست‌محیطی از منظر کنشگران فعال در حوزه زیست‌محیطی انجام گرفت. نتایج نشان داد، از منظر کنشگران فعال در حوزه محیط زیست، درک و تصور فعالان زیست محیطی در دو گروه خاص‌گرایانه (نگرش استعلایی زیست محیطی، اثرات بوم‌رانی) و عام‌گرایانه (نگرش انسان محوری و جامع‌نگرانه)، دسته‌بندی می‌شود. با توجه به نگاه عام‌گرایانه، کنش‌گران به دلیل فعالیت مستمرشان در زمینه محیط زیست، به ارزش حیاتی آن کاملاً واقف‌اند، طوری که زندگی تمام موجودات را وابسته به سلامت و پایداری آن می‌دانند و سهم برابری به همه موجودات در بهره‌برداری از محیط زیست می‌دهند. ولی تحت نگاه خاص‌نگر، با کنش‌گرانی مواجه

هستیم که علاوه بر بینش اخیر، به خاطر نوع کنش‌شان در حوزه‌های تخصصی محیط زیست نظیر منابع طبیعی و حیات وحش فعالیت می‌کنند. بنابراین نگاه تخصصی‌تری نسبت به محیط زیست و مسائل آن دارند.

مطالعه عوامل و دلائل موثر بر شکل‌گیری درک و تصور کنش‌گران نسبت به محیط‌زیست نیز از دیگر موارد مهم این تحقیق بود که خود در چند دسته مقوله بندی شد، از جمله سطح خرد (بر حسب شرایط و علائق)، سطح میانه (شامل جامعه‌پذیری دوران کودکی، شرایط محیطی) و سطح کلان (تأثیرپذیری انفعالی و مشارکت فعال). در سطح خرد به عوامل فردی اشاره می‌شود که دربرگیرنده مواردی چون علائق شخصی، رشته تحصیلی، علاقه به حیوانات، نوع نگاه انتقادی و نظایر آن است. چنان‌چه برخی از فعالان، به دلیل علاقه‌ای که از کودکی به محیط زیست داشتند یا به دلیل شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشور، اکثر مسائل را با دیدی انتقادی می‌نگرند که محیط زیست هم یکی از آنهاست. در سطح متوسط به نهادهای تاثیرگذار اشاره می‌شود که خانواده یکی از مهم‌ترین این نهادهاست. همچنین تاثیر شغل و دوستان نیز مطرح است. در سطح کلان نیز، از تاثیرگذاری عوامل فرهنگی، نهاد آموزش پرورش، رسانه‌های جمعی و تشکل‌های مردمی صحبت شده است.

در نهایت، راه کارهایی توسط فعالان این حوزه ارائه شد که در قالب راه کارهای کوتاه‌مدت، کنش‌گران معتقدند باید از طریق برخی اقداماتی که در زمان کم جواب‌گو هستند، به کمک محیط زیست شتافت. برخی از این اقدامات عبارتند از اجرای جرائم قانونی، قدرت یافتن فعالان محیط زیست، انجام فعالیت‌های داوطلبانه، توجه به الگوهای موفق و یا برنامه‌هایی چون اعطای گواهی‌نامه تورهای محلی، برپایی کارگاه‌های اکوتوریسم و آموزش صرفه‌جویی در مصرف انرژی‌ها. ولی عده دیگری از کنش‌گران عقیده دارند که نمی‌توان انتظار بهبود شرایط را در کوتاه‌مدت داشت. همچنین در قالب این راه کارهای بلندمدت، می‌توان از ایجاد رسانه‌های تخصصی، درونی کردن حساسیت مردم، پرهیز از نگاه جنسیتی، تربیت توسعه‌یاب در مدارس و جامعه و یا آموزش صنعت کمپوست در منازل و نظایر آن صحبت کرد.

و به عنوان سخن نهایی، لازم به یادآوری است که، با توجه به ماهیت کیفی تحقیق، ادعایی بر تعمیم آماری یافته‌ها نیست، بلکه بیشتر تعمیم نظری مدنظر هست. در عین حال، انجام یک پژوهش به روش کیفی معادل شناور شدن صرف در تفسیرهای ذهنی کنشگران و دورافتادن کامل از جهان تجربی نیز نیست، بلکه تلاشی است برای درک عمیق جهان تجربی به‌واسطه روایت‌ها و تفاسیر خود افرادی که عمیقاً با آن وضعیت درگیر هستند.

منابع و مأخذ

۱. استربرگ، جی کریستین (۱۳۸۴)؛ روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، احمد پورمخبر و علی شمعی، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
۲. استروس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
۳. ای لوری، دیوید. کمپ، دیوید (۱۳۸۶) شهروندی سبز (دموکراسی سبز، عدالت سبز)، محمود روغنی. چاپ اول، تهران: انتشارات اختران.
۴. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۱)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، نشر کویر.
۵. برمن، مارشال (۱۳۸۶)؛ تجربه مدرنیته، مراد فرهادپور، چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نو.
۶. بک، اورلیش (۱۳۸۸)، جامعه در مخاطره جهانی، ترجمه محمدرضا مهدی‌زاده، تهران: انتشارات کویر
۷. بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۸۷)؛ مقدمه‌ای بر شناخت محیط زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۸. توکل، محمد (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی تکنولوژی، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
۹. تومه، ژرژ (۱۳۸۰). توسعه فرهنگی و محیط‌زیست، ترجمه‌ی محمود شارع‌پور، تهران: انتشارات باز.
۱۰. دابسون، اندرو (۱۳۸۸)؛ اندیشه اجتماعی و سیاسی سبز، محسن ثلاثی، چاپ اول، نشر جامعه‌شناسان.
۱۱. زعفرانی، روزبه (۱۳۸۷). تبیین نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت و حفاظت از محیط زیست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران.
۱۲. لوری، دیوید و کمپ، دیوید، (۱۳۸۶). شهروندی سبز: دموکراسی و عدالت سبز. مترجم محمود روغنی، تهران: نشر اختران
۱۳. مزیدی، وحید (۱۳۹۳). واکاوی جامعه‌شناختی احساسات شهروندان تهرانی نسبت به محیط زیست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۴. کریمی، مینا (۱۳۹۱). مطالعه درک و تصور کنش‌گران محیط زیست با رویکرد سلامت اجتماعی، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۵. کوئن، بروس (۱۳۹۱)؛ مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ بیست و پنجم، تهران: انتشارات سمت.
۱۶. فلیک، اووه (۱۳۸۸)؛ درآمدی بر تحقیق کیفی، هادی جلیلی، نشر نی.

۱۷. محمدی، بیوک (۱۳۸۷)؛ درآمدی بر روش تحقیق کیفی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

18. Budak, D.(2005)."Behavior &Attitude of Student toward Environmental Issues at Faculty of Agricultural, Turkey". Journal of Applied Sciences. pp1224-1227
19. Corraliza, J. A., & Berenguer, J. (2000). Environmental values, beliefs, and actions. A situational approach. Environment and Behavior, 32(6), 832-848.
20. Dunlap, Riley E.; Van Liere, Kent D.; Mertig, Angela G.; Jones, Robert Emmet (2003), "Measuring Endorsement of the New Ecological Paradigm: A Revised NEP Scale", - Journal of Social Issues, Vol .56, No.3, pp: 425-442.
21. Goldblatt, D. (1996) Social Theory and the Environment. Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
22. Kaiser, F.G., Wolfing, S.,& Fuhrer,U.(1999). "Environmental Attitude and Ecological Behavior", Journal of Phycology: 19, 1-19.
23. Kimberly S,Rauwald and Colleen F,Moore (2002).Environmental attitudes as predictors of policy support across three countries. sage publications, environment and behavior, Vol. 34 No. 6, November 2002 709-739.
24. Kollmuss,A., Agyeman.J.(2002)."Mind the Gap: Why People Act Environmentally and What are the Barriers to Pro-environmental Behavior"? Journal of Environmental Education Research, Vol.8. No.3.pp450-471.
25. Millan,Mc, Mary Be & Thomas J. Hoban, William B. Clifford &Margaret R .Brant' (1977). "Social and Demographic Influences on Environmental Attitudes", Vol. 13, No. 1, pp: 89-107.
26. Ramsey,C.E. &Rickson, R.E. (1974)" Environmental Knowledge and Attitudes". Journal of Environmental Education, 8, 10-18.
27. Rauwald, K. S., & Moore, C. F. (2002) Environmental attitudes as predictors of policy support across three cultures. Environment and Behavior, 34, 709-739.
28. Salehi, S. (2009), "New Environmental Paradigm and Environmental Behavior", Journal of Environmental Education, Under Consideration.